

پنجشنبه 24 اسفند 1396 - 26 جمادی الثانی 1439 - 15 مارس 2018

انفجار بمب در مراسم نماز جمعه تهران توسط منافین کوردل (1363 ش)



(1363)

در زمانی که رژیم بعث، مردم را از رفتن به نماز جمعه بر حذر می‌داشت و به بمباران و موشک باران نماز جمعه تهدید می‌کرد، منافقان نیز بیکار ننشسته و با یک طرح از قبل تعیین شده و هماهنگ با رژیم عراق، نماز جمعه تهران را در 24 اسفند 63 به خاک و خون کشیدند. در این جنایت 14 نفر شهید و 88 نفر مجروح شدند. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان در مقام ریاست جمهوری و امامت جمعه تهران در حال ایراد خطبه‌ای نماز بودند، پس از انفجار بمب، با صلابت و بدون هیچ گونه تزلزلی به خطبه‌ای هایش ادامه دادند و این امر موجب تقویت روحیه ضداستکباری نمازگزاران و امت شهید پرور ایران گردید.

(1329)

تصویب ملی شدن نفت ایران مرهون تلاش‌های پی‌ریزی برخی از اشخاص مذهبی و سیاسی کشور، از جمله آیت‌الله کاشانی و جمعیت فداییان اسلام و قیام ملت مسلمان ایران است. اعدام انقلابی رزم‌آرا، نخست‌وزیر که با ملی شدن نفت به شدت مخالفت می‌نمود، به این حرکت مردمی شتاب فزاینده‌ای بخشید. تا اینکه مجلس شورای ملی در 24 اسفند و مجلس سنا در 29 اسفند 1329 ش ماده واحده ملی شدن صنعت نفت ایران را به تصویب رساندند.

(1329)

تصویب ملی شدن نفت ایران مرهون تلاش‌های پی‌ریزی برخی از اشخاص مذهبی و سیاسی کشور، از جمله آیت‌الله کاشانی و جمعیت فداییان اسلام و قیام ملت مسلمان ایران است. اعدام انقلابی رزم‌آرا، نخست‌وزیر که با ملی شدن نفت به شدت مخالفت می‌نمود، به این حرکت مردمی شتاب فزاینده‌ای بخشید. تا اینکه مجلس شورای ملی در 24 اسفند و مجلس سنا در 29 اسفند 1329 ش ماده واحده ملی شدن صنعت نفت ایران را به تصویب رساندند.

() (254)

امام هادی (ع) که در زمره امامان شیعه و از خاندان رسالت است، نیز از ویژگی‌های دانشی گسترده و جامع برخوردار است، طوری که سبیل‌های دانش و فرهنگ وی، عقول را حیران و اندیشه‌ها را به اعجاب واداشته است. امام دهم همچون پدران و اجداد بزرگوار خود در علم و دانش سرآمد روزگار بود. درخشش او در مدت حیاتش احترامی شگفت در قلوب همگان ایجاد کرده بود. نامه آن حضرت در رد پیروان معتقد به تفویض و جبریون و اثبات عدل و حد مابین جبر و تفویض، از فرازهای شگفت آور دوره امامت، امام هادی محسوب می‌شود و بسیار مورد تعمق و توجه می‌باشد. امام هادی (ع) در این نامه، نظریه پیروان هر دو عقیده را با منطقی‌ترین اصول مردود اعلام کرده و اسراری از علوم و حقایق آن را پاسخ فرموده است. با توجه به اینکه خداوند دارای عدل و انصاف و حکمت بالغه است، پس اوست که می‌تواند هرکس را بخواهد از میان بندگان خود برای ارسال پیامش و تبلیغ رسالتش و اتمام حجت بر بنده هایش برگزیند. گوشه‌ای دیگر از دریای بیکران دانش امام هادی (ع) در تاریخ خطیب بغدادی تجلی دارد. او به شهادت خود دانش امام را متذکر شده و در مقام اثبات آن می‌گوید: روزی یحیی بن اکثم در مجلس واثق خلیفه عباسی که جمعی از علماء و فقها حضور داشتند، سؤال کرد که چه کسی سر حضرت آدم (ع) را هنگامی که حج به جا آورد، تراشید؟ تمام حضار در پاسخ آن عاجز ماندند، واثق گفت: هم اکنون من کسی که جواب این سؤال را بدهد حاضر می‌کنم، سپس شخصی را بدنبال حضرت هادی (ع) فرستاد و وی را به دربار خلیفه دعوت کرد. امام نیز دعوت را پذیرفت و برای اظهار و بیان حقیقت به دربار واثق رفت. خلیفه پرسید: ای ابوالحسن به ما بگو چه کسی سر حضرت آدم را هنگام حج تراشید؟ امام فرمود: ای واثق ترا به خدا سوگند می‌دهم که ما را از بیان و جواب آن معاف کنی، خلیفه گفت: ترا سوگند می‌دهم که جواب را بفرمایی! امام فرمود: اکنون که قبول نمی‌کنی، پس می‌گویم. پدرم مرا از جدم خبر داد و جدم از جدش که رسول خدا باشد، اطلاع داد که فرمود: برای تراشیدن سر آدم جبرئیل مأمور شد یاقوتی از بهشت آورد و به سر آدم کشید تا موهایی سرش بریزد. در مورد جاذبه اجتماعی و نفوذ سیاسی امام هادی (ع) فقط می‌توان همین را گفت که یکی از تجلیات و تشعشعات پرشکوه خداوند و تابش منبع فیاض نور حق در وجود امام هادی (ع) متجلی و منعکس شده و از وجود حضرت نیز مانند آینه‌ای که انوار گوناگون را در خود انعکاس می‌دهد، ساطع بوده است. کسی را در عصر پیشوای دهم، توان نگاهی ممتد و حتی لحظه‌ای کوتاه به چهره او نبود. به محض نظر به رخسار پرفروغش آثار ضعف و سستی و ترس بر قلب‌ها سایه می‌افکند. در کتاب‌های تاریخی آمده است که حضور امام در هر مجلسی مورد تجلیل و احترام عمیق بود و خواسته و ناخواسته اطرافیان را تحت تأثیر و نفوذ قرار می‌داد و همنشینان وی همواره آرزوی مجالست و مراودت او را در سر داشتند. با آنکه متوکل بارها در

امام هادي (ع) که در زمره امامان شیعه و از خاندان رسالت است، نیز از ویژگی دانشی گسترده و جامع برخوردار است، طوری که سمبل های دانش و فرهنگ وی، عقول را حیران و اندیشه ها را به اعجاب واداشته است. امام دهم همچون پدران و اجداد بزرگوار خود در علم و دانش سرآمد روزگار بود. درخشش او در مدت حیاتش احترامی شگفت در قلوب همگان ایجاد کرده بود. نامه آن حضرت در رد پیروان معتقد به تفویض و جبریون و اثبات عدل و حد مابین جبر و تفویض، از فرازهای شگفت آور دوره امامت، امام هادي محسوب می شود و بسیار مورد تعمق و توجه می باشد. امام هادي (ع) در این نامه، نظریه پیروان هر دو عقیده را با منطقی ترین اصول مردود اعلام کرده و اسراری از علوم و حقایق آن را پاسخ فرموده است. با توجه به اینکه خداوند دارای عدل و انصاف و حکمت بالغه است، پس اوست که می تواند هرکس را بخواهد از میان بندگان خود برای ارسال پیامش و تبلیغ رسالتش و اتمام حجت بر بنده هایش برگزیند. گوشه ای دیگر از دریای بیکران دانش امام هادي (ع) در تاریخ خطیب بغدادی تجلی دارد. او به شهادت خود دانش امام را متذکر شده و در مقام اثبات آن می گوید: روزی یحیی بن اکثم در مجلس واثق خلیفه عباسی که جمعی از علماء و فقها حضور داشتند، سؤال کرد که چه کسی سر حضرت آدم (ع) را هنگامی که حج به جا آورد، تراشید؟ تمام حضار در پاسخ آن عاجز ماندند، واثق گفت: هم اکنون من کسی که جواب این سؤال را بدهد حاضر می کنم، سپس شخصی را بدنبال حضرت هادي (ع) فرستاد و وی را به دربار خلیفه دعوت کرد. امام نیز دعوت را پذیرفت و برای اظهار و بیان حقیقت به دربار واثق رفت. خلیفه پرسید: ای ابوالحسن به ما بگو چه کسی سر حضرت آدم را هنگام حج تراشید؟ امام فرمود: ای واثق ترا به خدا سوگند می دهم که ما را از بیان و جواب آن معاف کنی، خلیفه گفت: ترا سوگند می دهم که جواب را بفرمایی! امام فرمود: اکنون که قبول نمی کنی، پس می گویم. پدرم مرا از جدم خبر داد و جدم از جدش که رسول خدا باشد، اطلاع داد که فرمود: برای تراشیدن سر آدم جبرئیل مأمور شد یاقوتی از بهشت آورد و به سر آدم کشید تا موهایی سرش بریزد. در مورد جاذبه اجتماعی و نفوذ سیاسی امام هادي (ع) فقط می توان همین را گفت که یکی از تجلیات و تشعشعات پرشکوه خداوند و تابش منبع فیاض نور حق در وجود امام هادي (ع) متجلی و منعکس شده و از وجود حضرت نیز مانند آینه ای که انوار گوناگون را در خود انعکاس می دهد، ساطع بوده است. کسی را در عصر پیشوای دهم، توان نگاهی ممتد و حتی لحظه ای کوتاه به چهره او نبود. به محض نظر به رخسار پرفروغش آثار ضعف و سستی و ترس بر قلب ها سایه می افکند. در کتاب های تاریخی آمده است که حضور امام در هر مجلسی مورد تجلیل و احترام عمیق بود و خواسته و ناخواسته اطرافیان را تحت تأثیر و نفوذ قرار می داد و همنشینان وی همواره آرزوی مجالست و مراودت او را در سر داشتند. با آنکه متوکل بارها در صدد بود تا به بهانه قیام مسلحانه امام دهم را از میان بردارد، ولی هیچ گاه به این بهانه دست نیافت. با این حال، نتوانست حیات شریف آن حضرت را که مانع خودکامگیهای او به عنوان محور تفکر اسلامی بود و همچون مرکزی که شیعیان بر گرد آن پروانه rlm&وار می چرخیدند، تحمل کند، لذا ایشان را به شهادت رساند. امام دهم در حالی که هشت سال و پنج ماه از عمر شریفشان می گذشت، به مقام امامت نایل شدند و پس از سی و سه سال به شهادت رسیدند و در سامرا دفن شدند (صلوات الله وسلامه علیه وعلی آبائه وانباء الطاهیین).

"" (1922)

با فروپاشی امپراتوری عثمانی، فؤاد اول فرزند خدیو اسماعیل آخرین فرمان rlm&روای عثمانی بر مصر، به سلطنت رسید. او پس از مرگ برادرش که خدیو مصر بود، در سال 1917م به پادشاهی دست یافت. در سال 1919م انقلاب ماه مارس در مصر درگرفت و انگلستان ناگزیر به پذیرفتن استقلال مصر گشت. از این رو در نیمه ماه مارس 1922م، فؤاد اول استقلال مصر را اعلام کرد و حقوق مدنی و مشروطه را به مردم اعطا نمود. در 1936م، انگلستان به طور رسمی استقلال مصر را پذیرفت و قراردادی میان مصر و انگلستان بسته شد. پس از مرگ فواد اول، پسرش فاروق معروف به فاروق اول به پادشاهی رسید که پادشاهی وی تا سال 1952 به طول انجامید و با کودتای گروه افسران آزاد ارتش مصر، رژیم سلطنتی به پایان رسید. (ر.ک: 23 ژوئیه)

صدد بود تا به بهانه قیام مسلحانه امام دهم را از میان بردارد، ولی هیچ گاه به این بهانه دست نیافت. با این حال، نتوانست حیات شریف آن حضرت را که مانع خودکامگیهای او به عنوان محور تفکر اسلامی بود و همچون مرکزی که شیعیان بر گرد آن پروانه rlm&وار می چرخیدند، تحمل کند، لذا ایشان را به شهادت رساند. امام دهم در حالی که هشت سال و پنج ماه از عمر شریفشان می گذشت، به مقام امامت نایل شدند و پس از سی و سه سال به شهادت رسیدند و در سامرا دفن شدند (صلوات الله وسلامه علیه وعلی آبائه وانباء الطاهیین).